



# الزامات برنامه‌ریزی فرهنگی در اوقات فراغت با تأکید بر فقه نظام مدیریت فرهنگی

سیدمحمد طباطبائی<sup>۱</sup>

## چکیده

فقه نظام مدیریت فرهنگی عبارت است از احکام کلان مربوط به سطوح مدیریت عرصه‌های فرهنگ که حاکمیت، نظام‌های اجتماعی و نظام‌های رفتاری موظف به اجرای آن هستند. اوقات فراغت به عنوان یک موضوع فقهی در ذیل فقه نظام مدیریت فرهنگی جای می‌گیرد و از این منظر، موضوعی به شمار می‌آید که در نظام فرهنگی مستقر از چهار عنصر لذت‌جویی، آزادی‌های فردی، رسوم اجتماعی و انس مذهبی تشکیل شده است و با چهار متغیر شغلی، خانوادگی، آموزشی و شخصیتی به عنوان عناصر مرتبط درآمیخته است. بر این اساس، نویسنده با استدلال به قواعد فقهی چهارگانه‌ی انکار بدعت، حرمت تعطیل سنت، اقامه حق و عدل و انصاف و امتداد احکام فقه خرد گذران اوقات فراغت در فقه نظام، فروع فقه نظام مدیریت فرهنگی در گذران اوقات فراغت را تبیین کرده و سپس احکام برنامه‌ریزی فرهنگی در عناصر مرتبط با اوقات فراغت در فقه نظام را مورد بحث قرار داده است.

**واژگان کلیدی:** اوقات فراغت، مدیریت فرهنگی، فقه نظام

## ۱. مقدمه

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ناظر به تمدن‌سازی است و فرهنگ، بخشی از بدنه‌ی این تمدن را تشکیل می‌دهد. از این منظر، از یک سوی، تحقق الگو و اسناد آن مبتنی بر پیشرفت فرهنگی است و از سوی دیگر، سبک زندگی از حوزه‌های فرهنگی و از مسائل آن، مسئله گذران اوقات فراغت است و به همین جهت، طرح الزامات شرعی برنامه‌ریزی فرهنگی این مسئله ضرورت می‌یابد. زیرا برنامه‌ریزی و مدیریت، امری حاکمیتی است و تحقق پیشرفت فرهنگی در اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت توسط حاکمیت صورت می‌پذیرد که باید در چارچوب فقه نظام مدیریت فرهنگی به الزامات آن پرداخت.

## ۲. مفاهیم

### ۲-۱. برنامه‌ریزی فرهنگی<sup>۱</sup>

برنامه‌ریزی به طور کلی مفهومی سازمانی است که عبارت است از: «فرایند تعیین هدف و انتخاب راه، روش یا وسیله جهت تأمین این هدف» (استونر و دیگران، ۱۳۷۹: ۴۴۳). اگر برنامه‌ریزی را مداخلات هدفمند، آگاهانه و سنجیده انسانی در مسیر حوادث و فرایندها بدانیم- که نتیجه‌ی آن ممکن است موفقیت‌آمیز باشد یا نه- بر این اساس، برنامه‌ریزی فرهنگی را نیز می‌توان کوشش آگاهانه، سنجیده و سازمان یافته دولت برای ایجاد تغییر در وضع موجود و دستیابی به اهداف مطلوب در حوزه‌های مختلف فرهنگی دانست (صالحی امیری و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۵ به نقل از: اکبری، ۱۳۸۱: ۱۴).

### ۲-۲. اوقات فراغت<sup>۲</sup>

«به طور کلی می‌توان فعالیت‌هایی را که افراد بر اساس علاقه شخصی و خارج از حوزه کار و پس از رهایی از تکالیف فردی و اجتماعی انجام می‌دهند و هدف آنها استراحت، تفریح و یا خودشکوفایی است فعالیت گذران اوقات فراغت نامید» (محسنی، ۱۳۸۶: ۲۹۳). ژوفر دومازدیه<sup>۳</sup>، چهار ویژگی را برای اوقات فراغت برمی‌شمارد: رهایی از نوع معین وظایف نهادی- اجتماعی، خصلت جانب‌نادرانه نسبت به سود و هدف، خصلت لذت‌جویانه و رفع نیازهای شخصیت انسان با سه کارکرد رفع خستگی، تفریح و تقویت نیروهای آزاد انسان در برابر کارهای تکراری و قراردادی (دومازدیه، ۱۳۵۲).

1. The Cultural planning  
2. Leisure  
3. Joffer Dumazedier

### ۲-۳. فقه نظام مدیریت فرهنگی

«فقه نظام مدیریت فرهنگی» ترکیب واژگانی از دو مفهوم فقه نظام و مدیریت فرهنگی است. فقه نظام- به عنوان یکی از رویکردهای فقه حکومتی- با سه نوع نگرش تعریف می‌شود. نگرش نخست، تعریف شهید آیت‌الله صدر است. مبتنی بر این دیدگاه، نظام، تنظیم بخش حیات اجتماعی در راستای رفع احتیاجات بشر است (صدر، ۱۴۱۷: ۳۲۶) و فقه باید نظامات مختلف اجتماعی همچون «نظام سیاسی، نظام فرهنگی و نظام اقتصادی» را به صورت مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ که دارای مبنا و هدف واحدی می‌باشد ارائه داده و بستر حیات اجتماعی را تحت آموزه‌های دین سامان‌دهی نماید (میرباقری و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۲-۶۳). در نظریه شهید صدر، شیوه موضوع‌شناسی، مجموعه‌نگر است و عنوان متعلق حکم به افراد تعلق نمی‌گیرد بلکه در نسبت میان عناصر درون نظام تحقق می‌یابد. تکلیف به افعال هماهنگ افراد در ارتباط با یکدیگر در نظام تعلق می‌یابد و متعلق به آحاد افراد نمی‌شود و تطبیق نظام بر کل است نه عناوین کلی بر افراد و مصادیق (میرباقری، ۱۳۹۵). نگرش دوم، تعریف آیت‌الله محسن اراکی- از شاگردان شهید صدر- است. این تعریف بیانگر فقه مربوط به احکام رفتارهای اجتماعی به عنوان اراده مشترک افراد جامعه است. وی معتقد است: «رابطه سیستماتیک احکام فرع چیز دیگری است؛ فرع وجود یک مکلفی به نام مکلف کلان است. ... ما برخی تکالیفی داریم که مخاطب این تکالیف اصولاً جمع مرکب حاکم و محکوم است. این فقه نظام است و اگر ما می‌بینیم که احکام فقهی ما نظام‌مند هستند، به دلیل این است که این احکام فقهی در چارچوب یک همچنین رابطه‌ی بین حاکم و محکوم دیده‌شده است»<sup>۱</sup>. نویسنده با پذیرش برخی از روش‌های استنباط در دو نگرش نخست، نگرشی دیگر در فقه نظام دارد. بر اساس این نگرش، نظام‌های رفتاری، کنش‌های سازمان‌یافته‌ای هستند که درون نظام‌های اجتماعی- به عنوان مجموعه و کل حاصل از اراده مشترک اجزاء- شکل می‌گیرد و فقه نظام به بیان حکم هر دو نظام می‌پردازد. در این دیدگاه، موضوع‌شناسی فقه نظام، نیازمند تحقیق اجتماعی و مرکب از عناصر متشکل از مجموع اجزاء و متغیرهای نظام‌های اجتماعی و رفتاری و جامعه- مکلفان اجتماعی و کنش‌های اجتماعی- است. بر طبق این نظریه، خطابات شارع- به عنوان خطابات جامع<sup>۲</sup>- به رفتار

۱. سخنرانی آیت‌الله محسن اراکی در مراسم افتتاحیه پژوهشگاه فقه نظام، ۱۵ شهریور ۱۳۹۶

۲. نظریه خطابات جامع، مدعای نگارنده و متکی بر ادله‌ی عقلی و نقلی است. ادله‌ی عقلی متکفل مبانی اجتماعی- تناسب خطاب شرعی با زیست اجتماعی انسان در نظام‌های اجتماعی و اراده مشترک حاصل از اجزاء، نهادها و

شئون مکلفان در نظام تعلق می‌گیرد و پس از انتقال به رفتار نوع مکلفان بر رفتار افراد انطباق می‌یابد. مقصود از شأن در این نظریه، موقعیت، پایگاه، نقش و شخصیت شرعی مکلف - شخصیت عبادی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، خانوادگی و ... - است که در ذیل نظام‌های اجتماعی و رفتاری شکل می‌گیرد. بنابراین تعریف، رفتار و تکلیف مکلفان در سه مرتبه کلان (شئون مکلفان در نظام)، عام مجموعی (نوع مکلفان) و فرد مصداق می‌یابد. با این توضیح، فقه نظام مدیریت فرهنگی عبارت است از احکام کلان مربوط به سطوح مدیریت عرصه‌های فرهنگ که حاکمیت، نظام‌های اجتماعی - نظام فرهنگی، نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام حقوقی و نظام آموزشی - و نظام‌های رفتاری موظف به اجرای آن هستند. این احکام، مشتمل بر قواعد فقهی و احکام عامه است که در اثر ارتباط منسجم، یک نظام - الگوی الزام‌آور را شکل می‌دهند. «مدیریت فرهنگی، علم و هنر به کارگیری منابع و نیروها از طریق برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع، هدایت و کنترل آنها برای دستیابی به اهداف تعریف‌شده در عرصه فرهنگ است» (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۶۴). فقه نظام مدیریت فرهنگی از چهار بخش اصلی تشکیل می‌شود: فقه سازمانی فرهنگ (نظام رهبری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی)، فقه مدیریت فرهنگ عمومی، فقه مدیریت خرده‌فرهنگ و فقه مدیریت میان فرهنگی (روابط مبتنی بر تفاهم و روابط مبتنی بر امنیت - قدرت). مسئله گذران اوقات فراغت در ذیل فقه مدیریت فرهنگ عمومی جای می‌گیرد.

### ۳. موضوع‌شناسی اوقات فراغت در فقه نظام

برای موضوع‌شناسی اوقات فراغت در فقه نظام، لازم است ابتدا تعریف عملیاتی از اوقات فراغت صورت گیرد و پس از شناخت عناصر اجتماعی مرتبط به تبیین آن در سطح نظام فرهنگی مستقر پرداخته شود.

#### ۳-۱. تعریف عملیاتی اوقات فراغت

اوقات فراغت در تعریف عملیاتی عبارت از زمان‌بندی خارج از کار تعیین شده و رسمی است و به عنوان یک متغیر با گویه‌هایی تعریف شده است.

---

خرده نظام‌ها - و مبانی فلسفی - تناسب خطاب شرعی با ساختار حاکم بر اعتباریات در تحصیل اراده مشترک نظام‌های اجتماعی - و ادله‌ی نقلی مبتنی بر وجود تعلق خطابات شرعی در ادله به عناوین دلالت‌کننده بر شخصیت مکلفان - مانند رسول، ولی، حاکم، وکیل، کفیل، ضامن و امین - است.

«این گویه‌ها، در مجموع معرف دو سبک گذران اوقات فراغت (سبک بومی و سبک غربی) هستند که با توجه به چهار معیار دارا بودن اهداف مذهبی، جمع‌گرایی، تحرک و تنوع از یکدیگر متمایز شده‌اند» (چابکی، ۱۳۹۲: ۱۴۹).

استفاده از رسانه‌ها (تلویزیون، تماشای فیلم، مستند، فوتبال و ...، رادیو، شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌ها و وبسایت‌ها)، ارتباط با همسالان (مراجعه به گیم‌نت، کوهنوردی، سینما، استفاده از قلیان، قدم زدن در خیابان و پارک، شرکت در اعتکاف، ورزشگاه و ...)، تفریحات فردی (گوش دادن به موسیقی، استفاده از بازی‌های رایانه‌ای و اینترنت)، گردشگری‌های شهری و سفری، مراسم‌های شبانه (شرکت در نماز جماعت مغرب و عشا، هیئات مذهبی، جشن و شب‌نشینی)، مطالعه کتاب، روزنامه و مقالات، انس با قرآن، ورزش‌های انفرادی و همگانی و آموزش‌های فوق برنامه (موسیقی، زبان انگلیسی و ورزشی) از مهم‌ترین گویه‌های مرتبط و شایع‌ترین صور گذران اوقات فراغت در جامعه ایرانی است.

### ۲-۳. عناصر مرتبط با اوقات فراغت

عناصر مرتبط با اوقات فراغت، متغیرهای شغلی (میزان ارتباط فعالیت کاری و نیاز به اوقات فراغت)، خانوادگی (ساختار مدیریتی- تربیتی خانواده و میزان ارتباط اعضای آن در اهتمام به اوقات فراغت)، آموزشی (شیوه و محتوای آموزش‌های رسمی و غیررسمی فراگیر و غیر فراگیر و میزان درک و تأثیر آن توسط فرد از اوقات فراغت) و شخصیتی (میزان تأثیرات جنسیتی، سنی و محیطی در شخصیت) در زیست فردی و اجتماعی افراد است که در شکل‌گیری بسترها، دلایل و انگیزه‌های شیوه گذران اوقات فراغت نقش مؤثری دارند. افراد به تناسب هر کدام از متغیرها، در مواجهه با اوقات فراغت رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند.

### ۳-۳. اوقات فراغت به عنوان مسئله‌ای در نظام فرهنگی

موضوع‌شناسی فقهی اوقات فراغت از طریق کشف نظام فرهنگی حاکم بر صور گذران اوقات فراغت و عناصر مرتبط با آن به دست می‌آید. زیرا:

\* هر گونه رفتار اجتماعی معلول نظام اجتماعی حاکم بر آن است و رفتار فرهنگی در اوقات فراغت به عنوان بخشی از رفتار اجتماعی در ذیل نظام فرهنگی تعریف می‌شود.

\* موضوع فقه نظام، شئون نظام‌های اجتماعی است و هر مسئله اجتماعی - مانند اوقات فراغت - در نظام حاکم بر آن شئون بازتعریف می‌شود.

\* نظام‌های فرهنگی از طریق جهان‌های اجتماعی (پارسا، ۱۳۹۵) و بر اساس وحدت اجتماعی بازتولید می‌شود که کشف نظام از مسئله مبتنی بر آن است.

▪ بنا بر آنچه گفته شد، موضوع‌شناسی اوقات فراغت با توجه به سه جهت تبیین می‌گردد: وجود ارتباط میان فرهنگی میان دو جهان اجتماعی شیعی و مدرن، اوقات فراغت به عنوان مسئله‌ی نظام فرهنگی مستقر و کنش‌های اجتماعی در صور گذران اوقات فراغت که وحدت اجتماعی را در این باره رقم‌زده است. با این توضیح، اوقات فراغت به عنوان یک موضوع در فقه نظام مدیریت فرهنگی، عبارت از حدود زمانی نامعین است که گذران آن مبتنی بر چهار عنصر لذت‌جویی، آزادی‌های فردی، رسوم اجتماعی و انس مذهبی (مانند عبادت و زیارت) شکل می‌یابد. به عبارت دیگر، اوقات فراغت در نظام فرهنگی مستقر در جامعه ایرانی با دو عنصر مدرن و دو عنصر بومی - یک عنصر ایرانی و یک عنصر شیعی - آمیخته شده و ماهیت شبه مدرن به خود گرفته است. در سطح خرد این نظام و رفتار افراد، گاه عناصر مدرن و گاه عناصر بومی از یکدیگر پیشی گرفته‌اند اما در سطح کلان، نظام فرهنگی مستقر با هر چهار عنصر بازتولید شده است.

#### ۴. الزامات فقهی برنامه‌ریزی گذاری فرهنگی در اوقات فراغت

##### ۴-۱. برنامه‌ریزی فرهنگی در قواعد فقه نظام مدیریت فرهنگی

##### ۴-۱-۱. قاعده‌ی انکار بدعت

سنت - در معنای خاص خود - فرهنگ حق و بدعت، فرهنگ باطل است که شامل مطرح کردن مفاهیم، اندیشه‌ها و سبک زندگی غیردینی با عنوان امر دینی می‌شود. وجوب انکار بدعت‌گذار به عنوان یک قاعده فقهی در تمام فروع فقه نظام مدیریت فرهنگی قابل تبیین است. امیرالمؤمنین (ع) در صحیحہ حفص بن عمرو می‌فرماید: «من مشی إلی صاحب بدعة فوقه فقد مشی فی هدم الإسلام» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶: ۲۶۸). وجوب طرد بدعت‌گذار از جامعه - به دلالت التزامی ارتباط میان نابودی اسلام و بزرگداشت بدعت‌گذار - از این روایت استفاده می‌شود. امام (ع) در صحیحہ موسی بن اسماعیل با بیان مطلوبیت ردّ بدعت‌گذار می‌فرماید: «من ردّ علی صاحب بدعة بدعته فهو فی سبیل الله» (ابن اشعث، بی‌تا: ۱۷۲). مطلوبیت ردّ بدعت‌گذار بر اساس مناسبات حکم و موضوع،

مطلوبیت الزامی است و دلالت بر مشروعیت قاعده دارد. با پذیرش این قاعده بر حکمرانان واجب است مسائل فرهنگی مشروع و نامشروع را تفکیک کرده و با به کارگیری نظام اجرایی راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی در برنامه‌ریزی فرهنگی، از وقوع بدعت‌ها پیشگیری و با آن مقابله نمایند. این قاعده با استدلال به مفهوم موافق بر انکار فرهنگ کفر دلالت دارد و واجب است گذران اوقات فراغت در فرهنگ عمومی بر اساس قواعد مدیریت فرهنگی و مطابق با این قاعده تعدیل شود. به عنوان مثال، مشاهده‌ی فیلم‌های آمریکایی و استفاده از بازی‌های رایانه‌ای در نوع نگرش هنجاری و سبک زندگی نوجوانان و جوانان به روابط زن و مرد تغییراتی ایجاد کرده است که موجب تردید در ترک محرمات آن و زمینه‌ی انکار مشروعیت احکام اسلامی در حجاب و دوست‌یابی در این رده‌های سنی شده است. این یافته‌ی اجتماعی، با روش تحقیق مشاهده‌ای به دست آمده است و تأثیر نحوه گذران اوقات فراغت را بر نوع نگرش به مذهب و پایبندی در آن نشان می‌دهد. این گروه مسائل اجتماعی در ذیل قاعده‌ی انکار بدعت مورد بحث قرار می‌گیرد زیرا حلال دانستن حرام و حرام دانستن حلال مصداقی از بدعت به شمار می‌آید.

#### ۴-۱-۲. قاعده‌ی حرمت تعطیل سنت

واژه «سنت» در این قاعده شامل سنت رسول خدا (ص)، مستحبات شریعت و هر سنت فرهنگی - اجتماعی است که مورد انکار شارع قرار نگرفته یا امضا شده است. رسول خدا (ص) در صحیحه سکونی درباره فعل معروف می‌فرماید: «من أتى إلیه معروف فلیکافیء به فإن عجز فلیثن علیه فإن لم یفعل فقد کفر النعمه» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶: ۳۱۰). این روایت دلالت بر مطلوبیت الزامی اهتمام به سنت‌های معروف فرهنگی - اجتماعی دارد. امیرالمؤمنین (ع) در منشور حکومتی به مالک اشتر می‌فرماید: «لا تنقض سنه صالحه عمل بها صدور هذه الأمة و إجتمعت بها الألفه و صلحت علیها الرعیة و لا تُحدثن سنه تضر بشيء من ماضی تلك السنن فیکون الأجر لمن سنّها و الوزر علیک بما نقضت منها» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۴۳۱). آیت‌الله محسن اراکی درباره حرمت تعطیل سنت رسول خدا (ص) به آیات ۲۱ احزاب، ۳۱ آل عمران و ۱۵۸ اعراف و چهار روایت صحیحه از نوفلی، ابن ابی عمیر و زراره استدلال می‌کند و درباره مدلول آنها می‌گوید: «از این روایات استفاده می‌شود فرد و جامعه‌ی اسلامی حق ندارد رفتار خود را به گونه‌ای جهت دهد که منجر به ترک مطلق سنت رسول الله (ص) گردد. از جمله نتایجی که بر این



مطلب بار می‌شود این است که در بسیاری موارد اعمالی که در فقه خرد یا فقه فردی اعمالی مستحب به شمار می‌آیند و ترک آنها برای فرد مجاز است، در فقه کلان ترک آنها- یعنی ترک آنها به وسیله همه جامعه- غیرمجاز خواهد بود؛ زیرا منجر به تعطیل کامل سنت رسول الله (ص) می‌شود و تعطیل سنت رسول الله (ص) مجاز نیست» (اراکی، ۱۳۹۷: ۸۰). البته ترک سنت در فقه نظام صرفاً شامل ترک جامعه نمی‌شود بلکه مشتمل بر ترک شئون و اجزای نظام‌های اجتماعی و حاکمیت نیز می‌گردد. گذران اوقات فراغت ممکن است به تعطیل هرکدام از سنت‌ها انجامد یا خود نیز مصداقی از سنت حسنه باشد. برای مثال، کتاب‌خوانی می‌تواند به عنوان یک سنت فرهنگی- اجتماعی مطرح شود که آثار نیکویی بر رفتار اجتماعی و فرهنگ عمومی دارد یا در مقابل، افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی مانع از سنت دید و بازدید خانواده‌ها و صمیمیت آنان شود. بر حکمران واجب است به مدیریت فرهنگی در احیای این سنت‌ها و جلوگیری از تعطیل آنها اقدام نماید.

#### ۴-۱-۳. قاعده‌ی اقامه حق

حقیقت، حق و غیر از حقیقت، باطل است و بر این اساس، باید فرهنگ‌ها از منظر انتقادی و ارزش‌گذاری با معیار حق و باطل بررسی شوند. امیرالمؤمنین (ع) در تعلیل حکمرانی خود- با مقایسه میان پوشیدن نعلین و خلافت مسلمانان - می‌فرماید: «والله لهی أحبّ الیّ من امرتکم إلا أن أقیّم حقاً أو أدفع باطلاً» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۷۶). وجوب اقامه حق و دفع باطل به عنوان یک قاعده فقهی قابل تعمیم در مدیریت فرهنگی به عنوان امری حاکمیتی است و اگر فرهنگ عمومی دچار گناهان- به عنوان رفتار فرهنگی باطل- شود، اطلاق اقامه حق بر وجوب برنامه‌ریزی فرهنگی در جلوگیری از این امور دلالت دارد. مسئله گذران اوقات فراغت نیز از این قاعده مستثنا نیست. برای نمونه، اگر فعالیت در فضای مجازی به گونه‌ای باشد که موجب تضییع حقوق مادی و معنوی دیگران شود با اقامه‌ی حق منافات دارد و باید با استدلال به این قاعده، از شکل‌گیری و تداوم چنین فرهنگی در جامعه ممانعت به عمل آید.

#### ۴-۱-۴. قاعده‌ی عدل و انصاف

مدلول قاعده عدل و انصاف در فقه نظام مدیریت فرهنگی، وجوب رعایت برابری مردم در استفاده از نیازهای فرهنگی جامعه است. بر طبق این قاعده، واجب است حکمرانان فضاهای فرهنگی شرعی مانند مسجد و فضاهای فرهنگی عرفی مانند کتابخانه‌ها و سایر

احتیاجات فرهنگی را به صورت دسترسی برابر در اختیار مردم قرار دهند. این قاعده با اخذ مفهوم موافق از روایت علوی (ع) در وجوب دسترسی برابر مردم به حاکمان و رفتار برابر با آنان استفاده می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) در منشور حکومتی به مالک اشتر او را به رعایت ضعیف‌ترین مردم در نماز جماعت و رفع احتجاب (منشی داشتن) از ارتباط با آنان فرمان می‌دهد: «و إذا قمت فی صلاتک فلا تكونن منقراً و لا مضیعاً فإن فی الناس من به العلة و له الحاجة ... و أما بعد، فلا تطولن إحتجابک عن رعیتک فإن إحتجاب الولاة عن الرعیة شعبه من الضیق و قللة علم بالأمر» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۴۴۰-۴۴۱). اگر در نیاز مردم به ارتباط با حکمران واجب است رفع حاجات به صورت برابر و بدون واسطه برقرار گردد؛ واجب است به طریق اولویت در تمام نیازهای حکومتی - مانند فضاهای فرهنگی - این برابری وجود داشته باشد. یعنی اگر واجب است حاکم احتیاجات مردم را به صورت کامل برطرف نماید نمی‌تواند در رفع احتیاجات فرهنگی آنان مرتکب تبعیض شود. آیت‌الله محسن اراکی نیز با استفاده از مجموعه‌ی روایات، وجوب مرکزیت مسجد را پذیرفته است و در این باره می‌گوید: «مسجد اعظم یا مسجد جامع، مسجدی است که محل برگزاری نماز جمعه و جامع همه‌ی مردم شهر است و چون برای همه‌ی مردم شهر وضع شده است قاعده‌ی عدل و انصاف اقتضا می‌کند این مسجد در محلی باشد که مسافت آن برای مردم ساکن در هر جهت از جهات شهر برابر باشد. اینکه چنین مسجدی برای مردمی که در یک سمت شهر زندگی می‌کنند با کمترین هزینه‌ی جسمی و مالی در دسترس باشد در حالی که دسترسی به آن برای آنان که در سمت دیگر شهر زندگی می‌کنند موجب هزینه‌ی جسمی و مالی بیشتری باشد با قاعده‌ی عدل و انصاف سازگار نیست» (اراکی، ۱۳۹۷: ۵۷). بنابراین قاعده، واجب است حکمرانان نسبت به نیاز و دسترسی برابر مردم به مکانی برای گذران اوقات فراغت به عنوان یک مسئله فرهنگی اهتمام داشته باشند. این مکان می‌تواند مسجد، فضای سبز یا اماکن رفاهی باشد.

## ۲-۴. احکام اوقات فراغت در فقه خرد و امتداد آن در فقه نظام

### ۴-۲-۱. استحباب گذران اوقات فراغت به صورت جمعی

از دودسته روایات، استحباب گذران اوقات فراغت به صورت جمعی استفاده می‌شود: دسته اول، روایاتی است که بر مطلوبیت ارتباط و شوخی با یکدیگر و روابط زناشویی، دلالت می‌کند. امام باقر (ع) می‌فرماید: «لهو المؤمن فی ثلاثة أشياء: التمتع بالنساء و مفاکهة الإخوان و الصلاة باللیل» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱، ۱۴). در این روایت، به غیر از

نماز شب که امری عبادی و فردی است به اقدام‌های مطلوب لَهوی اشاره شده است که رفتار جمعی به شمار می‌آید. امیرالمؤمنین (ع) در صحیحہ سکونی می‌فرماید: «لقاء الإخوان مغنم جسيم و إن قَلَّوا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۱۷۹). کلینی در روایتی از رسول خدا (ص) نقل می‌کند: «کلّ لَهو المؤمن باطل إلا فی ثلاثه: فی تأدیبه الفرس و رمیه عن قوسه و ملاعبته إمرأته» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵، ۵۰). هرچند این روایت به لحاظ سندی، مرسله است و شیخ طوسی به صورت مسند با تعدادی از روایان ثقات و مجهول روایت کرده است (طوسی، ۱۴۰۷). اما با لحاظ تجمیع سایر قرائن<sup>۱</sup> نبود خبر معارض، نبود راوی متهم و تسامح در ادله سنن - قابل پذیرش و معتبر است. واژه لَهو در ادبیات دینی مرادف با گذران اوقات فراغت است. ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: «ألَهو به لهواً و تلهیت به إذا لعبت به و تشاغلت و غفلت به عن غیره» (ابن منظور، بی‌تا: ۱۵، ۲۵۹). یعنی لَهو شامل بازی و هر مشغولیتی است که انسان را از کارهای دیگر غافل و رها سازد. این معنا با تعریف اوقات فراغت سازگاری دارد.

دسته دوم، روایاتی است که دلالت بر مطلوبیت صله ارحام می‌کند. امام صادق (ع) در صحیحہ حکم بن ایمن حناط می‌فرماید: «صله الأرحام و حسن الجوار یعمران الدیار و یزیدان فی الأعمار» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱، ۵۳۵). شوخی کردن و صله ارحام، رفتار جمعی است و در زمان اوقات فراغت انجام می‌شود و مطلوبیت آن دو، بر مطلوبیت غیر الزامی (استحباب) گذران اوقات فراغت به صورت جمعی دلالت دارد. قطعاً این مطلوبیت در فقه نظام، الزامی است و حکمران باید آن را در مدیریت فرهنگی ترویج و فرهنگ‌سازی نماید زیرا ترک چنین رفتارهایی منجر به تعطیل سنت می‌شود.

#### ۴-۲-۲. استحباب شوخی با یکدیگر در گذران اوقات فراغت

روایات مربوط به شوخ طبعی مؤمنان با همدیگر سه دسته است: دسته اول، روایاتی است که به طور مطلق بر مطلوبیت این فعل دلالت دارد. یونس شیبانی در روایتی معتبر از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «قال أبو عبدالله: کیف مداعبه بعضکم بعضاً؟ قلت: قلیل. قال: فلا تفعلوا فإنّ المداعبه من حسن الخلق ... و لقد کان رسول الله (ص) یداعب الرجل یرید أن یسرّه» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۶۶۳).

۱. تأکید نویسنده بر تجمیع قرائن در بررسی اعتبار روایات این پژوهش با توجه به مبنای موثوق الصدور در علم رجال الحدیث است که به جای سندگرایی محض، قرائن گوناگون حدیث را ملاک قضاوت درباره‌ی صحت و عدم صحت احادیث می‌داند.

دسته دوم، روایاتی است که به طور مطلق بر ذمّ آن دلالت دارد. محمد بن مروان در روایتی معتبر از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «إياكم و المزاح فإنه يذهب بماء الوجه و مهابة الرجال» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۶۶۵). وجود اصحاب اجماع در سلسله‌ی سند و موافقت با مضمون صحیح‌ه سعد بن ابی خلف از امام کاظم (ع) (کلینی، ۱۴۰۷) موجب پذیرش این خبر می‌شود.

دسته سوم، روایاتی است که شوخی با یکدیگر را با توجه به آثار آن ارزش‌گذاری می‌کند. از این روایات، ممنوعیت هتک حرمت و نزاع با مؤمن در فرهنگ عمومی و شوخی با یکدیگر استفاده می‌شود. امام صادق (ع) در صحیح‌ه ابن ابی عمیر می‌فرماید: «إذا أحببت رجلاً فلا تمازحه و لا تماره» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۶۶۴) و در صحیح‌ه عبدالله بن میمون القداح می‌فرماید: «قال امير المؤمنين (ع): إياكم و المزاح فإنه يجر السخيمه و يورث الضغينه و هو السب الأصغر» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۶۶۴). استدلال به این دسته از روایات، موجب انقلاب نسبت<sup>۱</sup> در تعارض روایات دودسته نخست می‌شود و کیفیت گذران اوقات فراغت به صورت شوخی با یکدیگر را تبیین می‌کند. بنابراین، مستحب است گذران اوقات فراغت به صورت شوخی‌های میان افراد باشد و بر حکمرانان واجب است - بر اساس قاعده حرمت تعطیل سنت - اسباب چنین سنتی و مقدمات تحقق آن - مانند برادری ایمانی - را - به عنوان مقدمه واجب - در جامعه فراهم کنند.

#### ۴-۲-۳. استحباب استفاده از محیط‌زیست

استفاده از محیط‌زیست در اوقات فراغت به طور کلی شامل هر گونه بهره‌گیری از آن می‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و هو الذی أنشأ جنات معروشات و غیر معروشات و النخل و الزرع مختلفاً أکله و الزيتون و الرمان متشابهاً و غیر متشابه کلوا من ثمره إذا أثمر و آتوا حقه يوم حصاده و لا تسرفوا إنه لا يحبّ المسرفين» (انعام، ۱۴۱). شاهد استدلال در آیه، سفارش به مصرف میوه‌های باغ‌ها است؛ ورود به باغ‌ها، چیدن و خوردن میوه‌های آن مطلوب شارع و مربوط به اوقات فراغت انسان است. امام صادق (ع) مطلوبیت مصادیقی از گذران اوقات فراغت را با بیان رفتارهای نشاط‌آور معرفی می‌کند: «النشرة في عشرة أشياء: المشي و الركوب و الإرتماس في الماء و النظر إلى الخضرة و

۱. اصطلاح «انقلاب نسبت» واژه‌ای تخصصی در علم اصول است و هنگامی استفاده می‌شود که در تعارض میان دو دلیل، دلیل سومی مطرح شود و با ظهور خود آن تعارض را برطرف کند. به رفع تعارض میان دو دلیل به واسطه‌ی یک دلیل دیگر، انقلاب نسبت گفته می‌شود.

الأكل و الشرب و النظر إلى المرأة الحسناء و الجماع و السواك و غسل الرأس بالخطمي في الحمام و غيره و محادثة الرجال» (برقی، ۱۳۷۱، ۱: ۱۴-۱۵). این روایت بر اساس تجمیع قرائن - ذکر در دو کتاب حدیثی مورد اعتماد (محاسن و خصال) و تسامح در ادله سنن - معتبر است و شاهد در استدلال به حدیث، پنج مورد اول است: راه رفتن، سواره بودن، فرورفتن در آب، نگاه به سبزه‌ها و خوردن و آشامیدن. تمام این موارد با بهره‌گیری از محیط‌زیست حاصل می‌شود. اگر استفاده حلال از محیط‌زیست در اوقات فراغت مطلوب شارع است، بر حاکم نیز واجب است بر اساس قاعده عدل و انصاف، دسترسی برابر مردم به محیط‌زیست برای گذران اوقات فراغت را فراهم نماید.

#### ۴-۲-۴. کراهت گذران اوقات فراغت بدون رفتار هدفمند

در منابع دینی از گذران اوقات فراغت با رفتارهای لغو، بیهوده و مانع از تلاش و کوشش نهی شده است. قرآن کریم در آیات نخست سوره انبیاء ابتدا از غفلت و لهو انسان سخن می‌گوید: «إقترب للناس حسابهم و هم فی غفلة معرضون\* ما یأتیهم من ذکر من ربهم محدث إلا استمعوه و هم یلعبون\* لاهیة قلبوبهم» (انبیاء، ۱-۳) و پس از اشاره به انکارکنندگان وحی، تذکر به هدفمندی خلقت را مطرح می‌کند: «و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما لاعبین\* لو أردنا أن نتخذ لهواً لإتخذناه من لدنا إن كنا فاعلین» (انبیاء، ۱۶-۱۷). آیه ۵۸ سوره قصص مضمونی نزدیک به این معنا دارد: «و کم أهلكنا من قرية بطرت معیشتها فتلك مساکنهم لم تسکن من بعدهم إلا قليلاً و كنا نحن الوارثین» شاهد استدلال به آیه، عبارت «بطرت معیشتها» است که دلالت بر نابودی جامعه بر اثر کثرت خوش‌گذرانی دارد. آیات ۱۶ اسراء و ۱۳ انبیاء نیز بر این مطلب دلالت دارند. صدوق در روایتی معتبر از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که در تقسیم‌بندی اوقات فراغت فرموده است: «و علی العاقل ما لم یکن مغلوباً علی عقله أن یکون له ساعات: ساعة یناجی فیها ربه عزّ و جلّ و ساعة یحاسب فیها نفسه و ساعة یتفکر فیما صنع الله تعالی و ساعة یخلو فیها بحظّ نفسه من الحلال و إن هذه الساعه عون لتک الساعات و إستجمام للقلوب و تفریح لها» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۳۳۴). سه فایده‌ای که پیامبر اکرم (ص) با عنوان «زمینه‌ی استفاده بهتر از لحظات دیگر زندگی»، «آسودگی» و «فراغت یافتن» برای زمان‌بندی چهارم - بهره‌مندی حلال از زندگی - ذکر می‌کند، به نوعی تحلیل و ذکر هدف از این مقطع در زندگی روزمره است. یعنی نباید شیوه گذران اوقات فراغت و تفریح در زندگی به گونه‌ای باشد که پس از اتمام آن، انسان از مسیر

بندگی و هدف زندگی دور شود؛ هر چند زمان‌بندی تفریحی شرط عقل اوست. امیرالمؤمنین (ع) در حکمت ۳۷۰ نهج‌البلاغه همراه با هشدار به معاد می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فَمَا خَلَقَ إِمْرُؤُا عَبْتًا فَيَلْهُوُ وَ لَا تُرْكُ سُدَى فَيَلْغُو» (شریف‌رضی، ۱۴۱۴: ۵۴۰). امام رضا (ع) به نقل از امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «كُلَّ مَا أَلْهَى عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَهُوَ مِنَ الْمَيْسِرِ» (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۳۶). پذیرش اعتبار این روایت با تجمیع قرائن - نقل در کتاب معتمد حدیثی و موافقت با قرآن و نصوص معتبر - صورت می‌پذیرد. روایات علوی (ع) مانند «من غلب علیه اللّهُ بطل جدّه» و «شَرَّ مَا ضَيَّعَ فِيهِ اللَّعْبُ» در غررالحکم (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۴۶۱) به عنوان مؤید بر این دیدگاه قابل‌استفاده است. نواهی این ادله در فقه خرد دلالت بر کراهت دارد اما مدلول آن در فقه نظام، حرمت ترویج رفتارهای لغو و بیهوده و بی‌تفاوتی نسبت به رواج آن در مدیریت فرهنگی است زیرا رواج این پدیده در جامعه به عنوان بخشی از فرهنگ عمومی به تعطیل برخی از سنت‌های حسنه‌ی فرهنگی اجتماعی - مانند همبستگی در تلاش و پیشرفت - می‌انجامد و جامعه را به سمت خوش‌گذرانی و عافیت‌طلبی می‌کشاند که قرآن کریم از آثار مخرب آن بر جامعه هشدار داده است. یعنی حمایت از رشد و ارتقای نظام‌های اجتماعی با هدف‌مندی رفتارهای اجتماعی ارتباط دارد.

#### ۴-۲-۵. محرمات اوقات فراغت

ضرر رساندن به خود - مانند استفاده از دخانیات و مواد مخدر - هتک حرمت یکدیگر، استفاده از مسکرات، ابزار آلات غنا و رفتارهای لهوی و شهوانی خاص - مانند روابط جنسی و رقص با جنس مخالف در خارج از چارچوب شرع - رفتارهای ممنوع در گذران اوقات فراغت به شمار می‌آیند. ادله‌ی تحریم این رفتارها به ترتیب، قاعده لا ضرر، قبح عقلی هتک حرمت، آیات ۲۱۹ سوره بقره و ۹۰ سوره مائده، ۳۰ حج و ۲ نور است. امام صادق (ع) در صحیح‌ه ابو بصیر درباره حکم آوازه‌خوان در مجالس عروسی می‌فرماید: «أَجْرُ الْمَغْنِيَةِ الَّتِي تَزْفُ الْعَرَائِسَ لَيْسَ بِهٖ بَأْسٌ وَ لَيْسَتْ بِأَلْتِي يَدْخُلُ عَلَيْهَا الرَّجَالُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷، ۱۲۱). صاحب مفتاح‌الکرامه پس از نقل شهرت فقها در عمل به این روایت، درباره دلالت آن می‌نویسد: «مراد از عدم ورود مردان در این مجلس، نشنیدن صدای غنا است؛ هر چند در آن داخل نشوند. این حکم مربوط به وقتی است که مردان نامحرم حاضر باشند و احتمال عموم [در واژه الرجال] به دلیل اطلاق نص می‌رود» (حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۱۲، ۱۷۶). البته انصراف «الرجال» به نامحرم بر اساس مناسبات حکم و

موضوع و آیه ۳۱ سوره نور است که مانع از ظهور اطلاق در روایت می‌شود. با توجه به امتداد تحریم این رفتارها در فقه نظام و وجوب امر به معروف و نهی از منکر، واجب است حکمرانان با اعمال مدیریت فرهنگی، مقدمات و آثار این گناهان را در جامعه برطرف سازند.

#### ۳-۴. احکام برنامه‌ریزی فرهنگی در عناصر مرتبط با اوقات فراغت در فقه نظام

##### ۱-۳-۴. وجوب تحکیم عدالت در فرهنگ شغلی حاکم بر روابط کارگر - کارفرما

اوقات فراغت پس از تعریف زمان فراغت از اشتغال مطرح می‌شود و از دو جهت قابل بحث است: لزوم بهره‌وری شغلی با لحاظ اوقات فراغت و حق کارگر بر گذران اوقات فراغت در برابر تقسیم وظایف از سوی کارفرما. به عبارت دیگر، کارفرما نمی‌تواند با استفاده ابزاری از کارگر، حق رفاه و فراغت را از او سلب نماید تا سودآوری بیشتری به دست آورد؛ این اقدام مانع از شکل‌گیری فعالیت‌های بهینه شغلی در واحدهای تولیدی می‌شود و چرخه‌ی عادلانه نظام اقتصادی را مختل می‌کند. رسول خدا (ص) در ضمن حدیث مناهی می‌فرماید: «من ظلم أجيراً أجرته أحبط الله عمله و حرّم الله علیه ریح الجنة و إنّ ریحها لیوجد من خمسماً عام» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹، ۱۰۷). امام صادق (ع) نیز در صحیح ابن ابی عمیر می‌فرماید: «ما قدّست أمّهُ لم یؤخذ لضعیفها من قویّها غیر متعت» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶، ۱۲۰). با توجه به مجموعه‌ی روایات در صورت استحباب و کراهت گذران اوقات فراغت و قواعد فقهی عدل و انصاف و حرمت تعطیل سنت و با نظر به روایات مربوط به حرمت تزییع حقوق کارگران، استفاده می‌شود شکل‌گیری فرهنگ شغلی چه به صورت فرار شغلی ناشی از عافیت‌طلبی و چه تشدید فعالیت بر کارگران - بیش از حد توان و مانع از گذران اوقات فراغت - ممنوع است. آنچه گفته شد در نظام رفتاری حاکم بر روابط کارمند و رئیس در نظام‌های اداری قابل تطبیق است.

##### ۲-۳-۴. وجوب تعلیم و ترویج شیوه مطلوب گذران اوقات فراغت در فرهنگ خانواده

قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایّها الذّین آمنوا قو أنفسکم و أهلیکم ناراً و قودها النّاس و الحجارة» (تحریم، ۶). یعنی سرپرست موظف به رعایت واجبات و ترک گناهان توسط خانواده خود است؛ چنان‌که لقمان در سفارش‌های متعدد، فرزندش را رهنمون می‌شد: «یا بنیّ إنّها إنّ تک مثقال حبه من خردل فتکن فی صخره أو فی السّموات أو فی الأرض یأت بها الله إنّ الله لطیف خبیر\* یا بنیّ أقم الصلاه و أمر بالمعروف و إنّه عن المنکر و

إصبر على ما أصابك إنّ ذلك من عزم الأمور\* و لا تصعّر خدك للناس و لا تمش في الأرض مرحاً إنّ الله لا يحبّ كلّ مختال فخور\* و إقصد في مشيك و أغضض من صوتك إنّ أنكر الأصوات لصوت الحمير» (لقمان، ۱۶-۱۹). امیرالمؤمنین (ع) نیز در وصیت به امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید: «إنّما قلب الحدث كالارض الخالية ما ألقى فيها من شيء قبلته فبادرتك بالادب قبل أن يقسو قبلك و يشتغل لبك» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۳۹۳). از این روایت استفاده می‌شود باید تربیت فرزند قبل از شکل‌گیری موانع تربیتی انجام شود و فرهنگ خانواده نیز در همین دوره تربیتی تثبیت می‌شود. امام صادق (ع) در موثقه حسین بن سالم می‌فرماید: «أیما ناشٍ نشأ فی قومه ثمّ لم یؤدّب علی معصیة فإنّ الله عزّ و جلّ أوّل ما یعاقبهم به أن ینقص من أرزاقهم» (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۲۲۳). امام کاظم (ع) در صحیحہ اسماعیل بن موسی به نقل از رسول خدا (ص) می‌فرماید: «علّموا أبناءکم السّباحة و الرّمی» (ابن اشعث، بی تا، ۹۸) از مجموعه‌ی این ادله استفاده می‌شود مدیریت فرهنگی خانواده در جهت تعلیم معروف و منکر از الزامات تربیت در نظام خانواده است. با توجه به حرمت تعطیل سنت در فقه نظام، واجب است فرهنگ خانواده در سطح کلان جامعه به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که صورت‌های استحباب، کراهت و حرمت در گذران اوقات فراغت نادیده انگاشته نشود.

#### ۴-۳-۳. احکام مربوط به متغیرهای آموزشی و شخصیتی

آنچه گفته شد در متغیر آموزشی گذران اوقات فراغت نیز مطرح است؛ به عبارت دیگر، تربیت فرهنگی دانش‌آموختگان، پیوند میان دو حوزه‌ی نظام مدیریت فرهنگی و نظام آموزشی است و باید مبتنی بر قواعد فقهی مطرح‌شده و برنامه‌ریزی فرهنگی، تعلیم و ترویج سبک زندگی مطلوب در گذران اوقات فراغت مورد اهتمام واقع شود. احکام متغیرهای شخصیتی هم در ذیل دو نظام آموزشی و خانواده شکل می‌گیرد.

#### ۵. راهکارهای اجرایی در برنامه‌ریزی اوقات فراغت

از آنجا که از یک سوی، تبیین فقه نظام متفرع بر ارائه‌ی نظریه‌ای در نظام است که از قرآن کریم استفاده می‌شود و از سوی دیگر، باید راهکارهای اجرایی مبتنی بر نظریه‌ی علمی باشد؛ با توجه به نظریه‌ی مدیریت فرهنگی در قرآن کریم، راهکارهایی در حوزه برنامه‌ریزی فرهنگی اوقات فراغت پیشنهاد می‌شود. به طور کلی، بخشی از نظریه قرآنی



در مدیریت فرهنگی را- که با روش تفسیر استنطاقی<sup>۱</sup> به دست می‌آید- این ویژگی‌ها تشکیل می‌دهد: تقسیم جامعه‌ی هدف به مؤمنان، منکران و مستضعفان (حمد، ۷ و فاطر، ۳۲)، مدیریت نخبگانی فرهنگ با رهبری و نیروی اجتماعی مؤمنان (آل عمران، ۵۲، انبیاء، ۷۴ و ۷۹، قصص، ۱۴، غافر، ۲۸-۳۵ و ۳۸-۴۴، طه، ۹۶ و حجرات، ۱۵)، ظرفیت‌سناسی جامعه هدف و طبقه‌بندی فرهنگی (احزاب، ۳۲، فاطر، ۲۲، شعرا، ۳۳ و ۲۱۴، زخرف، ۴۰ و روم، ۵۲ و ۵۳) و تکیه بر اصول برهان محوری (قصص، ۳۲)، تبیین (شعرا، ۳۰، مریم، ۹۷ و نحل، ۳۹)، تحمّل اجتماعی (ابراهیم، ۴)، آموزش تربیت محور (آل عمران، ۱۹، ۷۹ و ۱۳۵ و مائده، ۱۰۵)، محوریت امر به معروف و نهی از منکر در روابط درون فرهنگی (مؤمنان) و دعوت به خیر در روابط میان فرهنگی (مستضعفان و منکران) (آل عمران، ۱۰۴، نحل، ۱۲۵، یونس، ۸۴، طه، ۸۶ و ۹۷ و نوح، ۵-۲۰) و اعراض از ناهنجاری‌ها پس از بیان تبلیغی (شعرا، ۲۱۴ و ۲۱۵). با نظر به همین ویژگی‌ها و عناصر چهارگانه‌ی شکل‌دهنده‌ی اوقات فراغت، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

#### ۵-۱. اصلاح مدیریت رسانه‌ای و تأثیرگذاری عمومی

می‌توان با تکیه بر راهبرد «انحصار تأثیرگذاری فرهنگی در نخبگان» در رسانه‌ها، سطوح تأثیرگذاری بر اندیشه و رفتار مردم را مدیریت کرد. تأثیرگذاری بر مردم نیازمند کسب اعتبار اجتماعی است و این اعتبار با دو عنصر شهرت و جلب اعتماد تحقق می‌یابد. رسانه‌ها با مدیریت افکار عمومی، این شهرت و اعتماد را فراهم می‌کنند و از طریق آن بر مردم تأثیر می‌گذارند. بسیاری از خطاهای رفتاری در فرهنگ عمومی ناشی از خطاهای رفتاری تأثیرگذاران است.

#### ۵-۲. افزایش آگاهی عمومی در حوزه اوقات فراغت با آموزش تربیت‌محور

تحقق رفتار انسانی معلول نوع بینش و گرایش انسان به آن است. اگر منشأ خطاهای رفتاری، فقط بینشی باشد با آموزش، آگاهی بخشی و تصحیح ذهنیت‌ها و اگر ریشه در گرایش هم داشته باشد با تربیت و نظارت اصلاح می‌شود. چنان‌که امام سجاد (ع) درباره این ارتباط می‌فرماید: «اللهم و ما سؤل لنا من باطل فعرّفناه و إذا عرفتنا فقناه ... اللهم و أشرب قلوبنا إنکار عمله» (علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶: ۸۶). از این دعا استفاده می‌شود که معرفت اجتماعی به انحرافات و پس از آن، پذیرش قلبی موجب اصلاح جامعه

۱. تفسیر استنطاقی، روش تفسیر موضوعی قرآن کریم در مکتب شهید صدر (ره) است.

می‌شود. بنابراین، آموزش با القای داده‌ها و تربیت با ایجاد انگیزه و شوق صورت می‌گیرد. این راهکار به نسبت وضعیت شغلی، رده‌های سنی و فرهنگ خانواده‌ها، زمینه‌های عملی متفاوتی می‌یابد. زیرا هر کدام از این متغیرها، انتظارات متفاوتی را از اوقات فراغت رقم می‌زند و تفاوت در انتظارات موجب تفاوت در رفتارها می‌شود. انتظارات عمومی گاه برخاسته از مطالباتی واقعی، عادلانه و مشروع و گاه برساخته و متأثر از اوضاع سیاسی و اقتصادی و فضای رسانه‌ها در جامعه است. ایجاد تعادل در این انتظارات، راهبردی است که حاکم بر راهکارهای آموزشی در عرصه مدیریت فرهنگی است.

### ۵-۳. تصویب و اجرای قانون «حمایت از گذران اوقات فراغت»

راهکار سوم، جنبه‌ی حقوقی دارد و پیشنهاد می‌دهد تا اسباب، موانع و شرایط گذران اوقات فراغت در دو بخش فراغت شهری و فراغت گردشگری شناسایی شود و گونه‌های عرفی و مذهبی آن مد نظر قرار گیرد. آنچه در این مقاله گذشت، مبانی فقهی این قانون پیشنهادی است که می‌تواند شامل این موارد شود:

۵-۳-۱. الزام وزارت‌های ورزش و جوانان و فرهنگ و ارشاد اسلامی به حمایت از فعالیت‌های هنری

۵-۳-۲. الزام شهرداری‌ها به توازن ساختاری شهر در تأمین فضاهای سبز و بوستان‌ها

۵-۳-۳. الزام نهادهای فرهنگی و شهرداری‌ها به حمایت از فعالیت‌های دینی مساجد،

جذب نمازگزاران، برنامه‌های مذهبی

۵-۳-۴. الزام وزارت کار، تعاون، رفاه و امور اجتماعی به حمایت از کارگران در حق بر

فراغت

۵-۳-۵. الزام رسانه‌های رسمی به آموزش تربیت محور پیرامون اوقات فراغت و

تدوین دوره‌هایی برای مشارکت رسانه‌های غیررسمی در این مهم

۵-۳-۶. الزام معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری به تعلیم و ترویج شیوه مطلوب

گذران اوقات فراغت در فرهنگ خانواده

۵-۳-۷. الزام سازمان حفاظت از محیط‌زیست به حمایت از استفاده از محیط‌زیست

در گذران اوقات فراغت

۵-۳-۸. الزام سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به حمایت از گذران اوقات فراغت

در مجموعه‌های تاریخی و فرهنگی برای افراد کم‌بضاعت و بی‌بضاعت

- ۵-۳-۹. الزام وزارت راه و شهرسازی و شهرداری‌ها به فراهم شدن مرکزیت و محوریت مسجد در شهر، شهرک و محله
- ۵-۳-۱۰. الزام وزارت راه و شهرسازی به حمایت از تأسیس مراکز تفریحی بین‌راهی با اولویت مناطق محروم و امکان استفاده برای افراد کم‌بضاعت و بی‌بضاعت
- ۵-۳-۱۱. الزام وزارت‌های آموزش و پرورش و علوم، تحقیقات، فناوری به تعلیم و ترویج شیوه مطلوب گذران اوقات فراغت

## ۶. جمع‌بندی

برنامه‌ریزی فرهنگی در اوقات فراغت به عنوان یک موضوع مرگب فقهی و مسئله‌ای اجتماعی، الزاماتی شرعی دارد که در فقه نظام مدیریت فرهنگی تبیین می‌شود. از این منظر، بر حکمرانان واجب است بر اساس چهار قاعده‌ی فقهی انکار بدعت، حرمت تعطیل سنت، اقامه حق و عدل و انصاف به تعدیل سبک زندگی موجود در گذران اوقات فراغت از طریق مدیریت فرهنگی اقدام کنند. از مجموعه ادله قرآنی و روایی استفاده می‌شود گذران اوقات فراغت به صورت جمعی و استفاده از محیط‌زیست مستحب است. گذران اوقات فراغت شامل مکروهات و محرماتی است و باید حکمرانان موضع سلبی نسبت به آن داشته باشند و عناصر مرتبط با آن، چهار متغیر شغلی، خانوادگی، آموزشی و شخصیتی است و واجب است برنامه‌ریزی فرهنگی ناظر به تحکیم عدالت در فرهنگ شغلی حاکم بر روابط کارگر- کارفرما و کارمند- رئیس باشد و شیوه مطلوب گذران اوقات فراغت را در فرهنگ خانواده، تعلیم و ترویج دهد. این برنامه‌ریزی در راستای تمدن‌سازی از مسیر فرهنگ مطلوب است و از این منظر با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارتباط می‌یابد.

## منابع

- ۱) قرآن کریم
- ۲) ابن اشعث، محمد بن محمد. (بی‌تا). الجعفریات. تهران: مکتبه النینوی الحدیثه.
- ۳) ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۳). معانی الأخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۴) ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۶). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم: دار الشریف الرضی.
- ۵) ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی‌تا). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ۶) اراکی، محسن. (۱۳۹۷). فقه عمران شهری جلد اول. قم: مجمع الفکر الإسلامی.

- (۷) استونر، جیمز ای. اف، فری من، آر. ادوارد و گیلبرت، دانیل، آر. (۱۳۷۹). مدیریت: مقدمه‌ای بر مدیریت، مدیریت در قرن بیست و یکم، برنامه‌ریزی. ترجمه علی پارساییان و سید محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- (۸) تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶) تصنیف غررالحکم و درر الکلم. تصحیح مصطفی درایتی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- (۹) پارسانیا، حمید. (۱۳۹۵). جهان‌های اجتماعی. قم: کتاب فردا.
- (۱۰) حسینی عاملی، سیدجواد. (۱۴۱۹). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- (۱۱) حر عاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۹). تفصیل وسایل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- (۱۲) چابکی، ام‌البنین. (۱۳۹۲). جهانی‌شدن و تغییر سبک‌گذران اوقات فراغت مطالعه موردی شهر تهران. زنان و خانواده. ش ۲۵. ص ۱۴۹.
- (۱۳) دومازديه، ژوفر. (۱۳۵۲). زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسانه. ترجمه م. آدینه. فرهنگ و زندگی. ش ۱۲. صص ۱۶-۱۹.
- (۱۴) شریف رضی، محمدحسین. (۱۴۱۴). تصحیح صبحی صالح. نهج‌البلاغه. قم: هجرت.
- (۱۵) صالحی امیری، سیدرضا و عظیمی دولت‌آبادی، امیر. (۱۳۸۷). مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- (۱۶) صدر، محمدباقر. (۱۴۱۷). اقتصادنا. قم: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان.
- (۱۷) طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴). الأمالی. قم: دار الثقافة.
- (۱۸) علی بن‌الحسین علیه‌السلام، امام چهارم. (۱۳۷۶). الصحیفه السّجادیة. قم: الهادی.
- (۱۹) کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- (۲۰) محسنی، منوچهر. (۱۳۸۶). بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- (۲۱) میرباقری، سید محمد مهدی، عبداللهی، یحیی و نوروزی، حسن. (۱۳۹۵). فقه حکومتی از منظر شهید صدر (ره) با مرور ویژگی‌های فقه نظامات. راهبرد فرهنگ. ش ۳۶. صص ۶۲-۶۳ و ۸۶.